مرحوم شیخ سپس آنچه را به عنوان قاعده «حرمت القاء غیر در حرام واقعی» (اگرچه ظاهراً به سبب جهل مشتری، این روغن برای او حرام نیست) مطرح کردند، مضمون روایات هم بر می شمارند و می نویسند:

«و یشیر إلی هذه القاعدة کثیر من الأخبار المتفرّقة الدالّة علی حرمة تغریر الجاهل بالحکم أو الموضوع فی المحرّمات، مثل ما دلّ علی أنّ مَن أفتی بغیر علم لحقه وزر من عمل بفتیاه فإنّ إثبات الوزر للمباشر من جهة فعل القبیح الواقعی، و حمله علی المفتی من حیث التسبیب و التغریر.

و مثل قوله علیه السلام: «ما من إمام صلّی بقوم فیکون فی صلاتهم تقصیر، إلّا کان علیه أوزارهم» و فی روایة أُخری: «فیکون فی صلاته و صلاتهم تقصیر، إلّا کان إثم ذلک علیه» و فی روایة أُخری: «لا یضمن الإمام صلاتهم إلّا أن یصلّی بهم جنباً».

و مثل روایة أبی بصیر المتضمّنة لکراهة أن تسقی البهیمة أو تطعم ما لا یحلّ للمسلم أکله أو شربه، فإنّ فی کراهة ذلک فی البهائم إشعاراً بحرمته بالنسبة إلی المکلّف.» [1]

ایشان سپس به عنوان مؤید (چراکه حکم عقل در اینجا دلیل مستقل نیست) به حکم عقل اشاره کرده و می نویسند:

«و یؤیّده: أنّ أکل الحرام و شربه من القبیح، و لو فی حقّ الجاهل؛ و لذا یکون الاحتیاط فیه مطلوباً مع الشک، إذ لو کان للعلم دخل فی قبحه لم یحسن الاحتیاط، و حینئذٍ فیکون إعطاء النجس للجاهل المذکور إغراءً بالقبیح، و هو قبیح عقلًا.» [2]

توضیح:

۱. شرب و اکل حرام حتی برای جاهل قبیح [به قبح فعلی و نه قبح فاعلی] است و الا احتیاط حسن نبود (چراکه اگر برای جاهل قبیح نبود، لازم نبود احتیاط کند)

۲. پس اعطاء نجس به جاهل اغراء به قبیح است.

۱. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط – الحدیثة)؛ ج۱، ص: ۷۳

۲. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط – الحدیثة)؛ ج۱، ص: ۷۳